

خفاش های



حتی فکرکردن به آن هم دردناک و وحشتناک است. زن باشید یا مرد فرقی نمی کند. تصورکنیدکنار خیابان ایستاده اید و منتظرید خودرویی سوارتان کند و شما را به مقصدتان برساند. بعد از سوار شدن درحالی که شما به بیرون از پنجره و مناظر اطراف خیره شده اید، ناگهان صدای قفل شدن درها را می شنوید و درکسری از ثانیه، خود راننده یا مسافری که کنار شما یا راننده نشسته است، سلاح سرد یا گرمی را زیرگلویتان می گذارد و تهدیدتان می کند، اگر سر و صدا کنید و به خواسته هایش تن ندهید، همان جا نفس تان را می برد. این ماجرای تلخی است که هر از گاهی تکرار می شود و قربانیان زیادی هم گرفته است. برخی یا گرفتار زورگیران مسافرش نما می شوند، یا راننده های متجاوز یا تلکه بگیر. بعضی از رانندگان شکارچی هم بسیار معروف بوده اند، مانند غلامرضا خوشرو که رسانه ها به او لقب خفاش شب را داده بودند و با ارا به مرگش، زنان و دختران زیادی را به مسلخ مرگ برد.

لیلا حسین زاده

تپش

رانندگان

خطر بالقوه بر

پدیده مجرمانه و زمانی که اقدام به قتل می کند به دلیل قتل همچنین

دکتر امان...
قرایی مقدم

جامعه شناس

نشان داد. حتی هم اکنون شاهد پلاک های مختلف در تهران هستم می پرسیم در پایتخت چه می کنید؟ مساله در شرایطی اتفاق می افتد که اما به عنوان راننده در تهران فعه راننده ناهایی نیز باشند که نسبت داشته باشند. در حالی که برای حذف نباید راننده های شهرهای دیگر یا کنند، چرا که زمینه را برای ارتکاب جرم از نظر مکتب شی کاگو، هرجا عبور در آن شناخت افراد دشوار است، اما در تهران، در بعضی نقاط که س مقابل آن در کرج، حومه تهران و در مشاهده می شود.

اما این که چرا جرم و جنایت و ز می شود، رد پای آن را باید در فقر هم اکنون گرانی و تورم افسارگسیخته که در تامین معیشت با مشکل مواجه مسافران می کنند.

از سوی دیگر، کم رنگ شدن اخلاقی است که باعث شده عده ای وجدان بزنند و زندگی خود و دیگران را تبا حدی رنگ باخته است و برای همین ایجاد شده، چشم روی قانون و می شوند. ضمن این که تکرار زور نماها، باعث بدبینی اجتماعی - س بنا بر این پلیس و قوه قضاییه باید و شناسایی آنان نظارت داشته راننده نماهای مسافرکش خطور ن

باند بچه محل ها

سرقت دستگیر شده بود.

اطلاعات به دست آمده در اختیار بازپرس پرونده قرار گرفت و او دستور دستگیری فرشاد و همدستانش را صادر کرد. در ادامه تحقیقات، مخفیگاه متهم در شهر قم شناسایی و با نیابت قضایی، تیمی از کارآگاهان، فرشاد و سایر همدستانش را دهم دی ماه در قم دستگیر و به پایگاه دوم منتقل کردند.

فرشاد به سرکردگی باند زورگیران اعتراف کرد و گفت: حدود سه ماه پیش با همدستانم که هم شهری و بچه یک محل هستیم، باندی را تشکیل دادیم. اولین سرقت را با خودروی خودم ولی سایر سرقت ها را با خودروهای سرقتی انجام دادیم. اموال مسروقه را در محدوده مولوی به افراد ناشناس به قیمت نازلی فروخته و پول به دست آمده را بین خودمان تقسیم و صرف خوشگذرانی می کردیم.

همه اعضای این باند پس از دستگیری به ۳۰ فقره زورگیری اعتراف کردند. بر اساس اعترافات انجام شده، سارقان بیشترین طعمه های خود را در مناطق مختلف تهران به ویژه در محدوده های غرب و جنوب غرب تهران از جمله جاده مخصوص، وردآورد و آزادراه تهران - کرج انتخاب می کردند.

بعد از ظهر هفتم مهرماه سال ۹۸، مرد جوانی با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و از زورگیری چهار جوان با یک دستگاه خودرو ال ۹۰ سفید رنگ در محدوده بزرگراه شهید فهمیده به کلانتری ۱۸۱ وردآورد خبر داد و از آنان شکایت کرد.

پرونده با موضوع زورگیری از مسافر برای رسیدگی تخصصی با دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران در اختیار کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی قرار گرفت.

شاکی به کارآگاهان گفت، به عنوان مسافر در میدان آزادی سوار خودروی ال ۹۰ که سه سرنشین داشت، شدم. پس از طی مسافتی، یکی از سرنشینان خودرو با تهدید سلاح سرد تمامی مدارک، گوشی تلفن همراه گران قیمت و وجه نقد را سرقت و پس از آن مرا در مکان خلوتی به بیرون از ماشین پرتاب کرده و همگی متواری شدند. کارآگاهان به محل سرقت مراجعه و با انجام تحقیقات میدانی و بررسی اطلاعاتی پلاک خودروی سارقان را به دست آوردند.

با به دست آمدن این اطلاعات و با انجام اقدامات پلیسی مالک خودرو را که سارقی به نام «فرشاد» ۲۰ ساله بود، شناسایی و با بررسی سوابق، مشخص شد او سابقه دار است بوده و پیشتر به جرم



کم رنگ شدن

اخلاقیات و معنویات

در جامعه نیز دلیل

دیگری است که باعث

شده عده ای وجدان

را نادیده انگاشته و

دست به ارتکاب جرم

بزنند و زندگی خود و

دیگران را تبا کنند



همدستی با شیطان

مرداد ماه سال ۹۴ برای دختر ۲۵ ساله ای به نام «نسرین»، سال ناگواری است و یادآور یک خاطره عذاب آور، خاطره تجاوز یک راننده به او که باعث شد از نظر روحی آسیب ببیند. نسرین پس از این اتفاق، به اداره پلیس آگاهی رفت و پس از طرح شکایت از روز حادثه برای کارآگاهان تعریف کرد و گفت: برای بازگشت به خانه، سوار یک خودروی مسافربر شدم، در حالی که مرد دیگری هم کنار راننده نشسته بود. پس از چند دقیقه، متوجه شدم راننده مسیر دیگری می رود و مدتی بعد راننده و همدستش با توسل به زور و تهدید و بدون توجه به التماس هایم، مرا به قرچک بردند و پس از توقف در یک محل خلوت، کتکم زدند و با زور به من تعرض کردند. آنها سپس مرا سوار ماشین کردند و راه افتادند تا این که راننده، بین راه برای خرید مقابل یک مغازه کنار جاده ایستاد. من هم بلافاصله پیاده شدم و از چند مرد که آن جا بودند، تقاضای کمک کردم. آن ها هم راننده و همدستش را دستگیر کردند و با پلیس تماس گرفتند و با کمک ماموران به شهر رسیدم.

با طرح شکایت، راننده و دوستش تحت بازجویی قرار گرفتند سپس با دستور قضایی روانه زندان شدند. در دادگاه، وکیل مدافع دختر جوان با شکایت از دو متهم، خواستار اشد مجازات برای آنها شد. راننده ۴۲ ساله و همدست ۳۷ ساله اش، در حالی که برای جنایت سیاه شان هیچ پاسخی نداشتند، در برابر قضاات ابراز پشیمانی کردند. به حکم دادگاه، هر یک از دو متهم به ۱۵ سال حبس به خاطر آدم ربایی و تعرض به دختر جوان محکوم شدند.

